

مطالعه تطبیقی در امر خصوصی سازی

خصوصی سازی، روندی مستلزم بازننگری

قسمت سوم

از: مهندس علی رهبر

۳- قدم به قدم در جهت بازننگری

بیانیم یکبار با حسابهای سرانگشتی، وضعیت موجود و آینده نزدیک اقتصادی کشور را مرور کنیم طی مدت بعد از انقلاب جمعیت کشور از ۳۳/۵ میلیون نفر به بیش از دو برابر افزایش پیدا کرده است. یعنی با یک حساب ساده نیمی از جمعیت کشور که پس از انقلاب متولد شده اند زیر پانزده سال سن دارند.

تا حدود پانزده سال آینده، یعنی طی فقط سه برنامه استحصال و ذخائر نفتی کشور در حدی محدود می شود که تنها تکافوی مصرف داخلی را می کند، یعنی نفت برای صادرات نخواهیم داشت. پس بحث در مورد روند قیمت ها و پیش بینی آینده بازار نفت لااقل برای ملت ما بی فایده است چون چیزی برای فروش نخواهیم داشت.

صادرات غیرنفتی کشور در شرایط کنونی با احتساب فرش و خشکبار در جدول زیر منعکس است اگر روند کنونی ادامه داشته باشد امیدی نیست که در پایان برنامه دوم حتی به دو برابر برسد و این امید وجود ندارد که طی ۱۵ سال آینده حجم سالانه آن حتی به ده میلیارد دلار نزدیک شود.

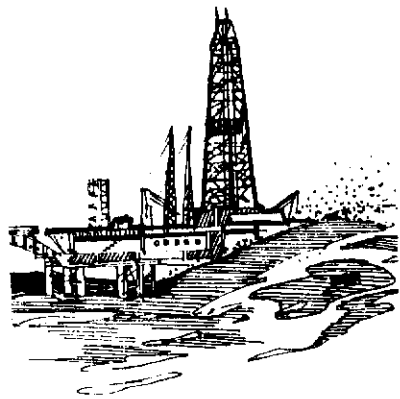
نام دستگاه	عملکرد صادرات صنعتی طی برنامه اول و پیش بینی صادرات صنعتی برای برنامه دوم									
	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷
وزارت صنایع	۶۰	۷۰	۳۳۷	۴۰۰	۲۹۰	۲۲۳	۲۵۳	۳۴۸	۳۶۲	۴۱۴
وزارت صنایع سنگین	۱۶/۸	۲۰/۵	۱۲۰	۱۸۱/۱	۸۰	۵۷	۸۴	۱۱۹	۱۵۵	۱۸۵
پتروشیمی	۲۸/۳	۳۶	۱۳۰	۱۲۹	۱۲۰	۷۵	۲۳۰	۳۶۶	۲۸۹	۲۳۴
وزارت معادن و فلزات	۴۹/۶	۱۰۷/۷	۱۱۳/۱۳	۳۴۹/۴	۳۰۰	۲۵۰	۱۵۰	۱۰۰	۱۵۰	۲۵۰
جمع	۱۵۴/۷	۲۳۴/۲	۷۰۰/۱۳	۱۰۵۹/۵	۷۹۰	۶۰۵	۷۱۷	۹۳۳	۱۰۵۶	۱۰۸۳

* پیش بینی تحقق صادرات طی سالهای برنامه دوم صرفاً جنبه کارشناسی داشته و رسمی نیست.

آن چیزی را نشان نمی‌دهد. در کشورهای صنعتی خدمات بعنوان یک ارزش افزوده اقتصادی بسیار مهم در کنار هرتوسعه‌ای قرار دارد. بویژه اینکه در جهان صنعتی انفورماتیک که عنصری از جنس خدمات است می‌رود که پایه چهارم و بخش جدیدی در اقتصاد را تشکیل داده و تخصصی مستقل را پیدا کند.

ترکیب عوامل تشکیل دهنده خدمات و کیفیت آن در اقتصاد کشور ما نامناسب است و صرفاً نقش سربار و تورمی را دارد. لذا در دوران انتقال و بازسازی صرفاً می‌توان به اصلاح ساختار آن نه رشد این بخش از نظر جذب نیروی انسانی و منابع نگاه کرد. پس از آنجا که اصلاح ساختار این بخش عمدتاً "به تربیت نیروی انسانی و مهارت و تکنولوژی و اطلاعات و تخصص برمی‌گردد و خود این امر احتیاج به زمان، سرمایه‌گذاری و بخت بلند و برنامه‌ریزی حساب شده داشته و آسان بدست نمی‌آید. لاجرم جایگزین شدن آن طی ۱۵ سال آینده در جایگاه نفت غیرقابل تصور است. از طرفی فقط در صورتی بخش خدمات اصلاح می‌شود که بخش صنعت و تولید متحول گردد.

می‌بماند بخش صنعت و تولیدات صنعتی که باید تمام بار این تحول را بدوش بکشد. جایگزین نفت شود. به اشتغال جدید پاسخ دهد و خلاصه کشور را از یک سقوط حتمی نجات بخشد. تنها بخش صنعتی است که می‌توان امیدوار بود که



و اشاعه آنها کوشا باشیم. جامعه مادرگیسر بسیاری از پدیده‌های اقتصادی سنتی است که در خور تحول و دگرگونی است. سنت‌های اداری، سنت‌های سرمایه‌گذاری، سنت‌های مصرف و تولید، سنت‌های کارگری و کارفرمایی و خلاصه بسیاری از این سنخ سنت‌گرائی‌ها که بقوربت باید منطبق با مدرن‌ترین روش‌های موجود جهان تغییر ماهیت دهد.

۳-۱- جایگزین‌های مناسب نفت

باز هم با یک ارزیابی ساده از بخش‌های مختلف اقتصادی (صنعتی، خدماتی، کشاورزی) محدودیت نقش کشاورزی را در اقتصاد کشور درک خواهیم کرد. اصولاً در یک نظام اقتصادی پیشرفته، نقش کشاورزی در ترکیب درآمدهای ملی کمتر از ده درصد و مثلاً "در مورد آلمان فدرال فقط ۲٪ است. در کشور ما زمین و آب مهار شده با اندازه کافی وجود ندارد. هرگونه اقدامی برای احیای زمینها و مهار آنها که البته لازم است و در سطح ملی باید واجد اولویت باشد. اولاً "هزینه‌زاست ثانياً " به زمان احتیاج دارد و بالاخره نه از بابت ایجاد اشتغال و نه درآمد مشکلی را حل نمی‌کند. حداکثر امید ما اینست که در امر تأمین نیازهای استراتژیک به خودکفائی نزدیک شویم و دستمان به خارج و منابع برون‌مرزی دراز نیابد. حتی بنظر می‌رسد با مکانیزه شدن و افزایش بهره‌وری و راندمان در هکتار کشاورزی روند اشتغال‌زائی این بخش کند و حتی منفی شود.

با اعداد و ارقام و آمار موجود که جای بحث آن در این مقاله نیست می‌توان ثابت نمود که بخش کشاورزی بهیچوجه جایگزین مناسبی برای نفت در آینده کشور و اقتصاد آن نیست.

در بخش خدمات باید متذکر آن شویم که ترکیب عوامل و نوع خدمات در توسعه کشور بسیار حساس و تعیین کننده است. رقم مطلق و آماری

با روند افزایش جمعیت در ۱۵ سال آینده با ادامه رشد ۳٪ از مرز یکصد میلیون نفر و حجم جمعیت زیر بیست سال کشور از مرز پنجاه میلیون نفر می‌گذرد. یعنی جوانان در راهند. آموزش، پرورش، اشتغال، اوقات فراغت، بهداشت، تأمین زندگی این انبوه جمعیت جوان را در پیشرو داریم.

تشکیل سرمایه‌کنونی کشور تقریباً " معادل استهلاک سرمایه است یعنی در عمل چیزی بصورت سرمایه جدید به توان تولیدی کشور اضافه نمی‌شود. بزودی روند مذکور منفی خواهد شد یعنی نگهداشت سطح سرمایه هم سیر نزولی خواهد داشت. موضوع استهلاک سرمایه در هیچ برنامه‌های مورد عنایت و توجه جدی قرار ندارد. سؤال اینست، چنین دورنمایی در زمینه اقتصادی کشور چه بازتاب‌های اقتصادی و حتی سیاسی خواهد داشت. چگونه و به چه قیمتی این مسیر و این چهره بسیار ناامید کننده را ترمیم می‌کنیم.

آنچه که قطعی است. موارد زیر است که باید به آن عنایت شود.

- تمامیت ارزی و ارزشهای فرهنگی عنصر اصلی هر راه حلی است که باید حفظ شود.
- حاکمیت ملی قاطعانه باید حراست گردد.
- دوره‌های بسیار مشکل و حساس از جنبه اقتصادی پیشرو داریم. در گذشته به میمنت وجود منابع سرشار نفت بسیاری از این معضلات حل می‌شد. اینک باید ب فکر جایگزین مناسب برای منابع مذکور باشیم.

- زمان و لحظات ارزش حیاتی دارد. از دست دادن آن جریان ناپذیر است. سرعت عمل و بهره‌گیری از وقت دیگر برای ما فرصت مناقشات و بحث‌های روانی باقی نمی‌گذارد. زمان زمان تصمیم‌گیری و عمل است. در غیر این صورت آواری از انبوه مشکلات و قضایای غیرقابل حل در انتظار ما است.

- گذشته از سنت‌های اخلاقی، مذهبی و اجتماعی مفید، با ارزش و مقدس که قطعاً باید در حفظ

سرعت انطباق لازم را پیدا کند در کنار اقتصاد جهانی با درک تحول در حال رویداد دنیا و پیدا کردن جایگاه مناسب خود و تحقق امکانات بالقوه نیروی انسانی در سازماندهی‌های پویای تولید صنعتی بسمت ایجاد ثبات و ثروت ملی گامهای بلند بردارد. این مهم در زمینه فرهنگی و سیاسی نامناسب و مغشوش و ناپایدار میسر نیست و تحقق آن صرفاً "در سایه بگ‌عزم راسخ ملی میهنی امکان‌پذیر خواهد بود."

اگر گروهی به زیر مجموعه‌های خدمات مانند جهانگردی و صنعت توریسم دل خوش کرده‌اند باید یادآور و متذکر شد که با موانع و مشکلات سیاسی / اجتماعی / فرهنگی در رابطه با توریسم، حداقل جایگاه، آن در پانزده سال آینده کشور چندان رفیع و تعیین کننده نیست. هرچند که جای مانور و فعالیت و برنامه‌ریزی جدی در این زیر بخش خدمات وجود دارد.

۳-۲- بازسازی نظام فرهنگی و فکری جامعه

باید توجه داشته باشیم که بیش از هشتاد درصد نیروی فعال جامعه و نیروی تولیدی آن در بخش خصوصی شاغل است که در بخش خدمات، کشاورزی و صنعتی فعالیت می‌کند. این در حالی است که پیشینه فرهنگی ما کاسب را حبیب خدا می‌شناسد و هرگونه حرکت اقتصادی را منشاء برکت می‌داند. القائات و شعارهای افراطی، تفکر اجتماعی را بگونه‌ای سامان داده است که هرگونه تشکل سرمایه و تشکیل سرمایه را مذموم و قاهل سرزنش و معادل غارت و چپاول و زالوصفتی و ضد ارزش تبلیغ می‌کند. در فرهنگ جاری ما سرمایه‌داری بعنوان گناه کبیره و مستوجب عقوبت‌ها و کیفرهای شدید شناخته شده است. چنین برداشتی باعث شده است که میل بنقدینگی و فرار سرمایه داخلی و عدم تمایل بر جلب و جذب سرمایه

خارجی بعلت احساس ناامنی بصورت صفت غالب درآمده است و هیچ شخصیت حقیقی و حقوقی جرات اینکه سرمایه‌های خود را زیر خروارها آهن و فولاد کارخانجات گیرببندازد ندارد. تمام کسانی که در زمینه اقتصادی قادر به ایجاد و تشکیل سرمایه هستند به بازارها و امکانات داخلی از جنبه‌های موقتی و بعنوان یک وسیله کسب درآمد برای تبدیل آن به ارز و خروج بموقع نگاه می‌کنند. و با اصطلاح می‌خواهند توی چشم نباشند.

باید جایگاه مناسب فرهنگی سرمایه را در جامعه احیاء کرد. باید آموخت که مصعبت از هر که صادر شود ناپسندیده است و جرم و انحراف در هرامری از جمله سرمایه‌داری اگر بروز کند قطعاً باید کیفر مناسب و تعریف شده برای موارد اثبات شده اعمال گردد. دولت‌های سرمایه‌داری بزرگ دنیا هم قوانین و مقرراتی مانند قوانین ضد تراست و امثالهم دارند و انحرافات مالی را نمی‌بخشند. اما باید بدانیم که انگیزه‌های بخش خصوصی سالم در یک جامعه تولیدی منجر به ایجاد ثروت، اشتغال، رفاه، تولید فراوانی و تأمین اجتماعی، سیاسی خواهد شد.

باید بدانیم که دوران ایجاد هیجان‌های کور و غیر منطقی سیاسی را باید به دوران ایجاد هیجان‌های سازندگی، همکاری، خلاقیت، ابتکار، امید به بهره‌وری از حداکثر امکانات تبدیل کنیم. قطعاً "نفع سیاسی کشور هم در همین کوشش نهفته است."

در شرایطی که شاهد مستقیم حتی در یک سازمان وحدت رویه و تداوم یک فکر منسجم به چشم نمی‌خورد نمی‌توانیم انتظار رسیدن به فرهنگ توسعه داشته باشیم. مثلاً "در سیمای جمهوری اسلامی تبلیغ کالا بخش می‌شود. بلافاصله در برنامه شیخون هرگونه فعالیت تبلیغاتی مترادف با هجوم فرهنگی اسلام می‌گردد و بلافاصله بعد از برنامه تبلیغات کالا، آیا چنین جوی از سردرگمی غیر قابل توجیه و

حاکمی از یک روش فرهنگ سازی برنامه ریزی شده مثبت است؟ قطعاً "خیر. بنابراین در اولیسن قدم لازم است یک بسیج کامل و برنامه‌ریزی شده در جهت تأمین جایگاه تخریب شده سرمایه در اذهان و دیدگاهها ایجاد کرد. از همه وسائل و روشها از جمله:

- رادیو و تلویزیون

- کتب درسی

- برگزاری سمینارها و سخنرانیها با شرکت معمرین و معتمدین و علمای بزرگ

- روزنامه‌ها و مجلات

- توجیه دانش آموزان و دانشجویان از طریق اساتید اقتصادی و اجتماعی برای کار فرهنگی دراز مدت بمنظور توجیه ضدا رزش نبودن سرمایه‌داری سالم و مثبت استفاده نمود.

۳-۳- طراحی سیستم برای خصوصی سازی

در کنار روند بهره‌برداری و ادامه مدیریت دولتی در اعمال تصدی کارخانجات و مؤسسات در دست دولت و مؤسسات وابسته بدولت (بانکها و نهادها و سازمانهای دولتی) تشکیلات مستقلی باید طراحی نمود که با اختیارات کامل و مشخص و قانونی بتواند فعالیت‌های تولیدی (اعم از خدمات و کالا) را به مدیریت‌های واجد شرایط با شروط مناسب و هدفهای از پیش تعیین شده و زمان بندی و درآمد و هزینه‌های برنامه‌ریزی شده واگذار نماید.

برای تحقق امر واگذاری و آزادسازی در شرایط کشور ما که شبهه کشور آلمان دارای سازمانها و مکانیزمها و فضای صنعتی مستقر کارآئی نیست کمک به ایجاد تشکل‌های قانونی و قانونمند سرمایه‌گذاری بسیار ضروری است.

همزمان با این نوع سازماندهی لازم است اقدامات زیر نیز بظهوریت انجام شود.

– کوچک کردن سازمانهای دولتی و خالی کردن دولت از ادارات و مدیریتهای اجرائی و ستادی کردن دولت در جهت سیاست گذاری، برنامه ریزی، ارشاد، کمک

– حذف مراحل مربوط به صدور مجوزها و مداخلات دولتی و آزاد کردن روشها و سیستمهای سرمایه – گذاری و تولید در قالب نظام سازی عمومی و فضا سازیهای برنامه‌ای و طرحهای جامع توسعه

– منع دولت و شرکتها و سازمانهای دولستاز توسعه، ایجاد سرمایه‌گذاریهای جدید، افزایش سرمایه و اقدامات نظیر.

– منع دولت از تبدیل کردن پرسنل دولت از کارهای اجرائی و تولیدی به ایجاد مؤسسات خدماتی و توسعه خدمات دولتی نظیر ایجاد مشاور، مراکز تحقیقاتی، مراکز کنترل و بازرسی و شرکت‌های مهندسی و طراحی مونتاژ و نظارتی و امثالهم و اتخاذ سیاست ایجاد این بخش در بخش غیردولتی.

۳-۴- تغییر اساسی در مبانی

حقوقی و قانونی

لازم است در بسیاری از زمینه‌ها قوانین صریح و واضح و اصلاح قانونی انجام شود از جمله:

– اصلاح قانون سرمایه‌گذاری خارجی

– اصلاح قانون مالکیت و ثبت شرکت و اسناد و املاک در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی

– اصلاح قوانین مالیاتی و بیمه. بویژه قوانین مالیاتی تصاعدی و مضاعف که عملاً "اجرای سرمایه‌گذاریهای بزرگ را مختل مینماید.

– اصلاح قوانین کار بر مبنای ثبات رویه و متقابل نمودن حقوق و مسوولیت‌ها بین کارگر و کارفرما

– اصلاح قوانین مربوط به اعطای روادید رفت و آمد و سکونت و اشتغال اتباع بیگانه و سرمایه – گذاران خارجی

– ایجاد امنیت‌های لازم برای سرمایه و لغو رویه‌های حقوقی و منع مداخلات از طریق ضوابط حقوقی استثنائی در امر سرمایه و صاحبان سرمایه و روشن نمودن پرونده‌هایی که با دلایل ضعیف و غیر مستند برپا و اقامه شده است و مختم نمودن این نوع از تعقیب‌ها و بلا تکلیفی‌ها

– فعال نمودن دیوان عدالت اداری بویژه در رابطه با تضییع حقوق افراد حقوقی و حقیقی خصوصی توسط کارگزاران دولت در قبال مداخلات غیرمسئولانه و یادستورالعملهای ایجادکننده ضرر و زیان و یا نقض تعهدات و قراردادهای قبلی.

۳-۵- اصلاح نظام بانکی و

بازار پول و سرمایه

در شرایط دولتی کنونی، بانکها کلاً "در اختیار مدیریتهای دولتی قرار دارند. همانگونه که قبلاً" اشاره شد. علاوه بر اینکه دارایی ضعیف‌های عمومی احراز مدیریت بانکداری در استانداردهای جهانی هستند، عمدتاً "بر مبنای معیارهای ارزشی/ سیاسی انتخاب شده‌اند. این شیوه بانکداری قادر نیست که حرکتها و سرویس‌های مناسب و هم‌تراز بازارهای پولی و مالی و بانکداری جهانی به جامعه تولیدی، اقتصادی و بازرگانی ارائه نماید.

گرچه بظاهر کشور دارای چند بانک با شخصیت حقوقی جداگانه و بعضاً "تخصصی است اما در عمل می‌توان گفت که کشور فقط یک بانک دولتی با شعبات و تقسیم‌بندی چندگانه دارد. این سیستم بانکداری در سطوح بالا مصلحت‌گرا، سیاسی‌کار، محافظه‌کار، تابع دستورات دولتی و عموماً "غیر اقتصادی عمل می‌کند و سازماندهی شده است و منابعی جز سپرده‌های نقدی مشتریان و منابع دولتی نمی‌شناسد و با عملیات اتکالی و کسب منابع از بازارهای جهانی و حرکت در آوردن سرمایه بخش

خصوصی با پرداخت وام‌های مشروط و درگیر کردن سهمی از درآمدهای آتی بخش خصوصی در سرمایه گذاری بصورت دین اصلاً "آشنائی ندارد.

در سطوح پائین نیز بی‌اعتنا به مشتری و خواسته‌ها و انتظارات و منافع مشتری، درگیر بوروکراسی بسیار قدیمی و سنتی و در پاره‌ای از موارد اهل بند و بسط، سطوح بالا و پائین از لحاظ صف و ستادی تقریباً "نه اشتراک منافع دارند و نه رابطه تعریف شده و طراحی شده.

بعلت بافت ناسالم، تقریباً "بخش خصوصی از بورس سهام از طریق سیستم بانکداری خارج شده و بانکها بصورت عناصر رقیب سرمایه گذار آزاد در خرید و فروش سهام و کارخانجات با قبول صد درصد ریسک شرکت می‌کنند و با تصمیم‌گیری‌های بی‌ضابطه و بر مبنای کارشناسی

مجهول و غیرمسئولانه و فاقد استراتژی محیطی کاملاً "نا امن بر بازار بورس و سهام القاء و حاکم کرده‌اند. لذا قیمت‌های روز نه واقعی است و نه مبتنی بر مکانیزم بازار بلکه صرفاً "منه‌بست بر تصمیم‌گیریهای لحظه‌ای بوده و بر توافق مقامات بانکی استوار است.

باید ضمن اینکه بانکها را موظف نمود که سهام صنعتی خود را بقیمت روز بازار بفروشند و سهم بانکها را با یک برنامه معین و زمان بندی شده در بازار و در نقش سرمایه‌دار و سرمایه‌گذار و مدیر صنایع و تولید کاهش داد. بلکه با ایجاد بانکهای خصوصی و غیردولتی بازار رقابتی کامل بوجود آورد و بانکها را در جهتی سوق داد که صرفاً "نا-میسر و تجهیزکننده و سوق‌دهنده منابع داخلی و خارجی بسمت سرمایه‌گذاری باشند.

۳-۶- متوقف کردن فعالیت‌های

تصدی دولت

یکی از اقدامات اساسی و بسیار مهم دواسر خصوصی و آزادسازی متوقف کردن هر نوع فعالیت توسعه، ایجاد و سرمایه‌گذاری جدید در بخش دولتی تحت هر عنوان و شرایطی است. در این رابطه با بد هراقدام فقط درجهت تکمیل طرحهای نیمه تمام مهم و حساس محدود شده هر اقدامی از هر منبعی اعم از وامی، منابع داخلی یا درآمد از محل مشارکت‌ها ممنوع شود، جابجایی اموال که اغلب پس از فروش و واگذاری در شرکتها متداول است و چهره مالی شرکتها را بضرر خریداران بهم می‌ریزد یا ایجاد سهام ممتاز که آزادی مدیریت بر مبنای اکثریت سهام را مختل می‌نماید باید کلاً ممنوع گردد.

البته در شرایط خاص، با تشخیص قانونگذار پروژه‌های ویژه و عمدتاً "استراتژیک با تعریف و شرایط مشخص ممکن است در بخش دولتی تصویب و اجرای آن برعهده دولت محول گردد.

پایان ■

